

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهبانان

سال پانزدهم، شماره ۵۵، تابستان ۱۴۰۰
صفحه ۳۶۹ تا ۳۸۹

جایگاه مصلحت در اندیشه سیاسی رهبران جمهوری اسلامی ایران

عبدالمیر دانی نجف آبادی / (دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران) dayaniabdolamir@gmail.com

احمد رضا توکلی / (استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول) a_tavakoli44@yahoo.com

محسن شکرچی زاده / (استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)
محمدهادی مهدوی / (استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

چکیده

یکی از مباحث مهم در حوزه فقه سیاسی، جایگاه مصلحت در اداره امور جامعه اسلامی است. با تأسیس نظام سیاسی ج.ا. ایران بر مبنای فقه سیاسی، قاعده مصلحت جایگاه مهمی در اندیشه رهبران آن ایفا می‌کند. به طور مشخص، امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای از این قاعده فقهی برای رفع مشکلات جامعه اسلامی بهره برده‌اند. در این پژوهش به بررسی جایگاه مصلحت در اندیشه سیاسی رهبران ج.ا. ایران پرداخته شده است. پژوهش حاضر این سؤال را مطرح می‌کند که اصل مصلحت در آراء رهبران ج.ا. ایران بر مبنای چه اهدافی در اداره جامعه اسلامی حائز اهمیت است؟ فرضیه‌ای که می‌توان مطرح کرد این است که قاعده مصلحت، راهکاری برای حل معضلات نظام اسلامی در داخل و خارج است که هدفی جز در نظر گرفتن مصالح عمومی جامعه و حرکت بر مبنای تعادل و حفاظت از منافع عمومی مردم ندارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که میان تعادل به معنای مرکزیت بودن منافع عمومی و قاعده مصلحت با محوریت دفاع از منافع عموم اشتراکاتی وجود دارد. حل معضلات جامعه اسلامی بر مبنای تشخیص رهبر جامعه اسلامی، تنها در صورت رعایت مصالح عمومی، یرهیز از خودسری و همچنین مینا بودن شریعت قابل توجیه است. چارچوب نظری استفاده شده در پژوهش حاضر، رویکرد تعادل متعلق به روبرتو الکسی است و روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی است.

کلیدواژه: مصلحت، نظام اسلامی، امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، حاکمیت اسلامی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۵/۳۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۰۸

مقدمه

قواعد و احکام دین اسلام نقش مؤثری در نحوه اداره جامعه اسلامی، دستیابی به اهداف متعالی و همچنین نحوه مواجهه با مشکلات و مسائل روزمره را بر عهده دارند. یکی از قواعد مهم دینی که مورد توجه جدی فقهای شیعی واقع شده است، قاعده مصلحت است که به طور مشخص در حیطه امور سیاسی و اجتماعی نیز وارد شده است. اختیاراتی که در اختیار حاکم جامعه اسلامی گذاشته می‌شود تا با بررسی امور و ترسیم چشم‌انداز آینده نظام اسلامی نسبت به حل و فصل مسائل مستحدثه تصمیم‌گیری نماید. همچنین جامعه اسلامی با تأثیرپذیری از احکام دینی و شریعت، قوانین و مقررات خاصی برای اداره در نظر گرفته که به طور مشخص در قالب قوانین اساسی و عادی قابل مشاهده است. به طور مشخص جمهوری اسلامی ایران نیز دارای قانون اساسی برگرفته از احکام دینی است که در کنار آن، و برای رتق و فتق امور غیر قابل پیش‌بینی، رویکردی تحت عنوان مصلحت نیز در اختیار رهبر جامعه اسلامی نیز قرار داده است. حاکم اسلامی یا به تعبیر آنچه در گفتمان انقلاب اسلامی و ج.ا. ایران ولی فقیه خوانده می‌شود، در مقام اجرای احکام شریعت یا برای اداره جامعه حق دارد در محدوده احکام ثابت و بر اساس آنها مقررات لازم دیگری را وضع کند. به لحاظ تاریخی، قاعده فقهی مصلحت، ریشه در سیره معصومین (ع) دارد و حتی در روایات شیعه سابقه‌ای دیرینه دارد. معمولاً در کنار هرگونه ولایت، سرپرستی یا اداره‌ی اموری که شرعاً واگذاشته شده باشد، مصلحت و خیر آن امور نیز در کنار ولایت و مدیریت آن مطرح است.

با توجه به اهمیت قاعده مصلحت در فقه سیاسی، با استقرار نظام ج.ا. ایران، بهره‌گیری از این قاعده شکل کاربردی به خود گرفت و امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مقاطعی از تاریخ انقلاب، از این قاعده فقهی برای حل مسائل سیاسی و اجتماعی استفاده بهره برده‌اند. با توجه به کاربردی بودن قاعده مصلحت، در اداره جامعه اسلامی و تداوم حاکمیت شرع در ایده ولایت فقیه، پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه مصلحت در اندیشه سیاسی رهبران جمهوری اسلامی ایران به دنبال اهداف این رویکرد، از منظر امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر این مسأله را دنبال می‌کند هدف از کاربست ایده مصلحت در اندیشه سیاسی رهبران جمهوری اسلامی ایران چیست؟ مصادیق و مواردی که آنان از این قاعده برای اداره جامعه اسلامی استفاده کرده‌اند، کدام هستند؟

۱-۱. پیشینه تحقیق

کتاب: «جایگاه مصلحت در قانون‌گذاری ایران» تألیف حمید دهقان چاچکامی به بررسی مصلحت در قانون‌گذاری کیفری پرداخته، اما کلیات را بررسی کرده و وارد مصادیق و مجازات‌های حدی نشده، مضافاً این که نقش مصلحت را در اجرای قوانین کیفری بررسی نکرده است. کتاب: «احکام حکومتی و مصلحت» تألیف سیف‌الله صرامی نیز اثر دیگری است که به بررسی احکام حکومتی و تبعیت آن از مصالح در راستای پیدا کردن ابزارهایی که در فقه اسلام برای پاسخ دادن به نیازهای زمان پیش‌بینی شده، پرداخته است. کتاب فوق فقط به بررسی نقش مصلحت در احکام حکومتی پرداخته است. مقاله‌ای با عنوان «مفهوم مصلحت و جایگاه آن در نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران» تألیف شهرام حسن‌پور وجود دارد که در آخر به این جمع‌بندی رسیده که به طور کلی و اجمالی باید پذیرفت که کلیه احکام شرع، مبتنی بر حکمت و مصلحت هستند؛ اگر چه به طور دقیق و معین به آنها علم و آگاهی نداشته باشیم، زیرا ممکن است مصالح متعدد و بسیار و علم دقیق آنها نزد خود شارع باشد. هم‌چنین در مقاله «مقایسه جایگاه مصلحت در فقه امامیه و اهل سنت» تألیف مهدی رهبر، که به بررسی جایگاه مصلحت در فقه اسلامی را از سه جنبه مصلحت به عنوان فلسفه استنباط احکام شرعی، مصلحت به عنوان قید متعلق احکام شرعی و مصلحت به عنوان دلیلی برای استنباط احکام شرعی مورد بررسی قرار گرفته و از نقش مصلحت در احکام حکومتی بحث نشده است. پایان‌نامه‌ای تقریباً مرتبط با عنوان «تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر مجازات در حقوق کیفری اسلام» پدید آورنده: نورمحمد کاظمی‌الموتی در پایان‌نامه خود وارد بحث مصلحت هم شده، که در نتیجه در عصر حاضر، عدم اجرای مجازات‌ها را نه تنها مخالف اسلام ندانسته، بلکه هم‌سو با اجرای قوانین اسلامی می‌داند و مدعی است: این‌گونه مصلحت‌اندیشی توسط حاکم اسلامی نه تنها در احکام کیفری بلکه در احکام عبادی اسلام نیز وجود دارد، همان‌گونه که امام خمینی (ره) در شرایطی به تعطیلی حج دستور داده‌اند.

هم‌چنین پژوهش دیگری با موضوع «تحلیل کاربردهای مصلحت در فقه امامیه» تألیف مهدی رهبر، به تحلیل و تبیین جوانب مصلحت در فقه امامیه پرداخته و سعی در پاسخ‌یابی به سئوالاتی چون: مصلحت در فقه امامیه از چه جایگاهی برخوردار است؟ قلمرو اعتبار مصلحت چه مقدار است؟ مرجع تشخیص ملاک و دلایل اعتبار مصلحت کدامند؟ مصلحت در احکام حکومتی چه نقشی دارد؟ را دارد. براساس فرضیه‌های تحقیق مصلحت در فقه امامیه شامل مقام جعل و قید موضوع حکم می‌شود و تشخیص مصالح واقعی به نحو موجه جزئیه ممکن است

و مصلحت اعمال شده در فقه امامیه، با مصالح مرسله تناسبی ندارد. براساس نتایج حاصل از این رساله، احکام شرعی از مصالح و مفاسد واقعی تبعیت می‌کنند که با تغییر این مصالح، حکم شرعی نیز متبدل می‌شود.

هریک از تحقیقات مطرح شده در بالا، بخشی از رویکردهای نظری موجود درباره موضوع مصلحت را مورد توجه قرار می‌دهند. اما آنچه تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش‌ها محسوب می‌شود، بررسی جایگاه مصلحت در اندیشه سیاسی رهبران سیاسی جمهوری اسلامی ایران از منظر رویکرد تعادل است.

۲-۱. چارچوب نظری تحقیق

نظریه تعادل یکی از نظریات مطرح شده در علوم سیاسی است که با نام روبرت الکسی^۱ گره خورده است. در نظریه تعادل که اصول آن از جمله اصل تناسب از قانون اساسی آلمان گرفته شد، در قواعد حقوقی برخی از کشورهای اروپایی، دادگاه‌های بین‌المللی و به طور مشخص در دیوان دادگستری اروپا مورد توجه قرار گرفت (Pace, 2012: 11). نظریه تعادل، به دنبال آن است تا میان منافع متعارض سازش ایجاد کند و به شناسایی آنان پردازد (Aleinikoff, 1987: 960). از جمله سازش میان مصلحت و واقعیت بخش مهمی از دغدغه نظریه مزبور شناخته می‌شود. علاوه بر این در نظریه تعادل، سازش اصلی میان منافع و حقوق فردی و جمعی است که در این صورت دو دیدگاه افراط‌گرایی به نفع حقوق فردی و یا در راستای حقوق و منافع جمعی را به کناری می‌نهد و دیدگاهی بینابین اتخاذ می‌نماید. از نظر رابرت الکسی، ضروری است تا میان منافع متعارض، تعادلی ایجاد شود (Alexy, 2002: 105). بر این اساس جمع منافع متعارض در جامعه و برقراری نظم و امنیت از جمله اهدافی است که این نظریه به دنبال سازش میان این منافع است. پیش فرض نظریه مزبور آن است که هیچ جامعه‌ای عاری از منافع متعارض نیست و در هر جامعه‌ای می‌توان نشانه‌های متعددی از منافع متعارض اعم از تعارض منافع فردی و عمومی، منافع دولت و افراد، و ... را مشاهده نمود. اما هنر سیاست آن است که بتواند میان این منافع متعارض سازش ایجاد نماید و نظم و امنیت را در عرصه سیاسی و اجتماعی برقرار نماید.

با این وجود، در شکل ایجابی، نظریه تعادل به دنبال طرح مطالبات واقعی اعضای یک جامعه و دفاع از آنان است. بنابراین نوعی سیاست عمومی که بتواند منافع واقعی افراد در جامعه

^۱. Robrt Alexy

را مورد حمایت قرار دهد، به تعادل نزدیک‌تر است. در این صورت می‌توان منافع عمومی اعضای جامعه را به وضوح در جامعه مشاهده نمود (Gardbaum, 2007: 825). در واقع نظریه تعادل به دنبال چاره‌جویی برای شناسایی و حل مشکلات عمومی است. یگانه راه برای حل این مشکلات نیز اتخاذ تصمیمی عمومی برای حفظ منافع اعضای جامعه است که اولاً میان بخش‌های مختلف جامعه هماهنگی ایجاد کند و دوم اینکه وضعیت متعادلی را در جامعه بوجود آورد. بنابراین در کاربست نظریه تعادل همواره با این سؤال مواجه هستیم که در صورت ایجاد تنش میان حقوق فردی و جمعی بهترین تصمیم کدام است؟ (Gerven, 1999: 45). پاسخی که این نظریه ارائه می‌کند این نیست که منافع فردی را در پای منافع جمعی نادیده بگیریم و یا اینکه عوامل مسلط یعنی اصحاب قدرت و ثروت را حق مطلق در نظر بگیریم. آنچه در این دیدگاه مهم است اینکه میان منافع و خواسته‌های فردی و جمعی سازش ایجاد نماییم و عواقب ناشی از فردگرایی افراطی را به حداقل برسانیم (Fallon, 1993: 343). بنابراین نظریه تعادل همان‌گونه که از نام آن به ذهن متبادر می‌شود، درصدد مقابله با نظریاتی است که فردگرایی افراطی را مطرح می‌کنند و از حقوق عموم جامعه غفلت می‌ورزند. به همین دلیل، رویکرد تعادل چنین مطرح می‌سازد که جامعه نیازمند آرامش و ایجاد سازش میان حقوق عمومی و فردی است و از این جهت کسی به دنبال بی‌نظمی و برهم زدن امنیت جامعه نیست (Fallon, 1993: 344). روشن است که در دنیای کنونی و هنگامی که جامعه سرشار از تنوعات حقوقی و خواسته‌های بالقوه و بالفعل است، تلاش برای برقراری سازش میان منافع مختلف نیازمند دخالت ابزار دولت است. زیرا دولت از ابزارهای لازم برای برقراری نظم و امنیت برخوردار است و تنها از طریق همین ابزارها است که می‌توان حقوق و منافع واقعی جامعه را شناسایی و از آنان دفاع به عمل آورد. اگرچه رایج‌ترین نوع حقوق مطرح شده، حقوق فردی است، اما این حقوق از نظر الکسی، ذهنی و به شدت فردی هستند. بنابراین همواره احتمال نزاع میان حقوق فردی و جمعی وجود دارد. از این جهت می‌توان برخی نشانه‌های تعارض را میان حقوق اساسی مردم جامعه و سیاست عمومی با منافع برخی افراد و گروه‌ها نیز مشاهده کرد (Pace, 2012: 5). بنابراین راه‌حل اصلی، تلاش برای یافتن رویکردی مبتنی تعادل است که بتواند حقوق و منافع عمومی را بر منافع فردی ترجیح بدهد و جامعه را بر مبنای درک واقعیات رهبری نماید. به نظر می‌رسد این رویکرد می‌تواند برای تحلیل ابعاد مصلحت در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی کاربرد داشته باشد.

به نظر می‌رسد نظریه تعادل از چند جهت می‌تواند برای بررسی موضوع مصلحت در نزد فقها و خصوصاً رهبران جمهوری اسلامی ایران قابلیت تحلیل داشته باشد. اول اینکه، نظریه تعادل بر ضرورت نیازهای واقعی مردم در جامعه تأکید دارد که مورد قبول اکثریت آنها است که همین مسأله در اصل مصلحت مورد تأکید است، دوم اینکه ایجاد سازش و توازن میان منافع عموم جامعه و ترجیح منافع عمومی بر منافع و خواسته‌های فردی از جمله موضوعات مشترکی است که میان رویکرد تعادل رویرت الکسی و ایده مصلحت در نزد فقهای شیعه از جمله بنیانگذار انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری قابلیت تحلیل دارد. همچنین توجه به زیرمجموعه‌ها و توازن میان دستگاه‌های تصمیم‌گیر راهکار دیگری برای رعایت اصل تعادل است که میان ایده تعادل و اصل مصلحت، مشترک است. با عنایت به اصول مشترک مطرح شده می‌توان حکم به سازواری این نظریه با تحلیل اصل مصلحت داد. در این مقاله به دنبال کاربست این نظریه در تحلیل مصلحت از دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هستیم. بنابراین نگارنده با آگاهی از برخی ناسازواری‌هایی که در ساحت اندیشه اسلام و غرب مطرح است، تنها از جهت توجه این نظریه به منافع عمومی و اشتراک آن با برخی اصول قاعده مصلحت، بحث حاضر را مطرح کرده است.

۲- مبانی نظری؛ مصلحت و ابعاد آن

برای پی بردن به مفهوم مصلحت، ابعاد و کاربرد آن نیازمند بررسی لغوی و اصطلاحی، کاربرد آن در نزد فقهای مختلف اسلامی و ارتباط آن با سیاست هستیم.

۱-۲. تعاریف مصلحت در اهل تشیع و اهل سنت

مصلحت، عنوانی آشنا و پرکاربرد در فقه و اصول است، این واژه در لغت، از ریشه «صَلَحَ» و جمع آن مصالح به معنی نیکی‌هاست؛ یعنی آنچه موجب آسایش و سود باشد. مصالح معاش و معاد به معنی چیزهایی است که خیر و مصلحت دنیا و آخرت با آن توأم است (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ص ۱۸۵۴۱). واژه مصلحت در کتب لغت، با تعابیر نزدیک به هم تعریف شده است و در بیشتر این تعاریف عنصر «نقیض افساد و ضد فساد» به چشم می‌خورد و به معنای سود و در برابر مفسده به کار برده می‌شود (شرتونی، ۱۴۰۳، ص ۶۵۶) در «لسان العرب» به معنای خیر، منفعت و ضد فساد معنی شده (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ص ۵۱۷) و به معنای بهبود بخشیدن و شایستگی نیز آمده است. مفهوم خیر، صلاح و منفعت که از واژه مصلحت فهمیده می‌شود، می‌تواند همه خواسته‌ها و آرزوهای انسان را پوشش دهد؛ هر چند در مصادیق آن اختلاف و اشتباه وجود دارد. در زبان فارسی معادل‌های متفاوتی - که دارای ریشه معنایی واحدی هستند -

برای مصلحت ارائه شده که عبارتند از: خیر، خوشایند، لذت، علاقه، سود، نعمت، حکمت و علت. در این میان شاید بتوان به تعبیر غزالی در «المستصفی» - «منفعت» را نزدیک‌ترین معادل برای «مصلحت» از حیث لغوی ارزیابی نمود (غزالی، بی تا، ۲۸۶-۲۸۷).

با نگاهی اجمالی به تعاریف واژه مصلحت، میان معنای لغوی و اصطلاحی آن تفاوت زیادی وجود ندارد. اگرچه در این بعد مصلحت با تفاسیر و زوایای متفاوتی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، ولی جوهری واژه مصالح، یک چیز است؛ هرچه به نفع انسان باشد مصلحت، و هرچه به زیان او و باعث فساد در امور آدمی باشد، مفسده نامیده می‌شود. بر همین اساس غزالی می‌نویسد: مصلحت در لغت عبارت است از جلب منفعت یا دفع زیان و در اصطلاح عبارت است از تأمین اهداف و مقاصد شریعت، پس هرچه اهداف شارع را تأمین کند مصلحت شمره می‌شود و هر چیزی که باعث تقویت مقاصد و اهداف شارع گردد، مفسده است. تشریح احکام و مقررات شرعی بر اساس مصالح و مفاسد است؛ یعنی وضع مقررات شرعی برای تأمین و حفظ مصالح بندگان و دفع مفاسد بوده است. مهم‌ترین مصالحی که شارع در تشریح احکام در نظر داشته پنج امر است: حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال (غزالی، بی تا: ۲۹۰).

گروهی از اصولیون نیز به پیروی از غزالی گفته‌اند: مصلحت، در اصل معنی خود، عبارت است از جلب نفع، و دفع ضرر، و در اصطلاح شرعی، مصلحت، عبارت است از پاسداری از مقاصد و آرمان‌های شرعی، و نگهداری از ارزش‌های اسلامی (فیض، ۱۳۸۴، ص ۲۵۳). ارزش-های اسلامی که قانونگذاری اسلام، آنها را برای همه امت، بلکه برای همه انسان‌ها خواسته، و حفظ و حراست از آنها را وجهی قانونگذاری خود قرار داده است، پنج چیز است: دین، عقل، نفس، ناموس و مال. هر چیزی که این اصول را در بر داشته باشد، مصلحت است، و هر چیزی که با آنها برخورد و معارضه داشته باشد، مفسده است، و دفع مفسده، نیز مصلحت است (فیض، ۱۳۸۴: ۲۵۴). مهم‌ترین مقاصد شرع حفظ پنج رکن اشاره شده در زندگی بشر است که رعایت و حفظ این مقاصد از ضروریات دین اسلام است.

پیشینه مصلحت حاکی از مطرح شدن آن در اندیشه سیاسی اهل سنت و اهل تشیع با اهداف و رویکردهای مختلفی است. فقه اهل سنت به ادله تاریخی و عقیدتی، گرایش بیش‌تری به طرح و بررسی مصلحت به صورت راهی برای دستیابی به احکام شرع داشته است. برخی از نویسندگان اهل سنت، تاریخ توجه به مصلحت را زمان خلیفه اول نوشته‌اند که مهم‌ترین آن اقدام به گردآوری قرآن بر پایه مصلحت حفظ دین بوده است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴، ج ۹،

ص ۱۹۲-۱۹۳). هم‌چنین تضمین صنعت‌گران بر پایه‌ی مصلحت حفظ اموال و کالاهای مردم در دست آنان، حکم قصاص چند نفر به جرم قتل یک نفر از دیگر مثال‌هایی است که برای تشخیص حکم شرع بر پایه‌ی مصلحت بین صحابه و تابعان در همان قرون نخستین اسلام رواج داشته است (ر.ک: البوطی، بی‌تا، ص ۳۰۸). مصلحت که پایه‌ی استنباط و اجرای احکام پیشین بود، با تدوین و تحوّل دانش اصول، به تدریج جای خود را در منابع فقه اهل سنت باز کرد. عنوان معروف این منبع، «مصلح مرسله» است که یک قسم از اقسام مصلحت از جهت اعتبار و عدم اعتبار شرعی است (مصلحتی که دلیل شرعی بر اعتبار آن هست، مصلحت معتبر؛ مصلحتی که دلیل شرعی بر عدم اعتبار یا الغای آن وجود دارد، مصلحت ملغای، و مصلحتی که نه دلیل بر اعتبار و نه دلیل بر الغا دارد، مصلحت مرسل نامیده می‌شود).

«مصلحت» در دانش فقه و علوم پیرامون آن از قبیل اصول فقه و فلسفه فقه، اصطلاح و معنای خاصی ندارد و تبعم در متون فقهی شیعه و اهل سنت به طور قطع ثابت می‌کند که مصلحت به معنای لغوی و عرفی آن -البته در چارچوب اصول و ضوابط شرعی (= مصلحت شرعی)- به کار رفته است و بالطبع مراد از آن، منفعت، خیر و ضدّ فساد خواهد بود. مثلاً شیخ طوسی اهمیت خاصی برای مصلحت قائل هستند و بر این باور است که ولی امر باید احکام را براساس مصالح و مفاسد تشریح نماید. نقش مصلحت از نظر ایشان بسیار حائز اهمیت است و مصلحت و مفاسد از متعلقات تکلیف هستند (طوسی، ۱۴۰۶: ۱۱۲). آنچه ولی امر و امام جامعه انجام می‌دهد، می‌بایست در راستای حفظ شریعت، مصالح عمومی جامعه و همچنین جلوگیری از هتک حرمت افراد جامعه اسلامی و یا جلوگیری از هرج و مرج و بی‌نظمی است.

اما باید این نکته را نیز در نظر داشت که هر منفعتی نمی‌تواند از طریق مصلحت قابل دفاع باشد، زیرا رابطه میان مصلحت و منافع، نیازمند در نظر گرفتن احکام شریعت و عمل بر مبنای آنان است. بنابراین می‌توان اینگونه بیان کرد که مصلحت، حافظ شریعت و احکام آن و همچنین در نظر گرفتن مصالح عمومی افراد جامعه اسلامی است. استدلال این است که احکام شریعت نمی‌تواند در تضاد با منافع حقیقی افراد باشد. چه اینکه احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد است نه منافع و مضار (فیاض، ۱۴۱۹: ج ۴، ۴۰۵). در هر صورت آنچه روشن است اینکه مصلحت در فقه شیعه، هم به مصالح مادی توجه دارد و هم مصالح معنوی را در بر می‌گیرد (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۴۰). مصلحت در راستای رفع تراحم احتمالی میان احکام شریعت جعل شده است و مصلحت اندیشی فقهی در قلمرویی غیر از تأمین اهداف و غایات شریعت حجیت نداشته و قابلیت ارائه ندارد (طوسی، ۱۳۷۸: ۵۲).

علاوه بر این، در ابواب فقهی مکاسب محرّمه، بیع، حجر، وقف، جهاد، حدود و تعزیرات. به طور معمول، هر جا سخن از ولایت و توگی بر امر یا کسی در فقه مطرح شده، رعایت مصلحت یا عدم مفسده مورد توگی هم مطرح شده است. مصلحت در کاربرد شیعی آن، از سطح مباحث فقهی، به تدوین و تنظیم اصولی آن در کتاب‌های رایج و متداول اصول فقه نرسیده است. شاید عمده دلیل این نکته که تفاوت طرح مسئله‌ی مصلحت را نزد شیعه و سنی هم رقم می‌زند، عدم حجّیت مصلحت به صورت پایه‌ی استنباط حکم شرعی نزد شیعه باشد؛ البته اهل سنت نیز همگی بر اعتبار مصالح مرسله اتفاق نظر ندارند؛ اما اصولاً قیاس که نزد غالب اهل سنت رواج و اعتبار فراوان دارد، نزد بسیاری از آنان پایگاه گرایش به مصالح مرسله شده است (صرامی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹).

در هر صورت از آنجایی که شریعت اسلام برای حفظ نظام، اهتمام زیادی قائل است و هر امری را که موجب نزاع، مخاصمه و هتک حرمت می‌شود و یا خون انسان‌های بی‌گناه را می‌ریزد، ممنوع اعلام می‌کند. بر همین اساس، می‌بایست این اختیار برای حکومت اسلامی محفوظ باشد که هر عملی را که موجب مفسده و یا پیامد سوء می‌باشد، ممنوع اعلام نماید (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۴: ۲۴۷). به همین دلیل، مصلحت نیز همانند سایر مفاهیم و اصطلاحات در عرصه دین اسلام، ابعاد سیاسی و اجتماعی دارد و نمی‌تواند نسبت به تشکیل حکومت، اختیارات ولی و امام جامعه و یا رهبر جامعه بی تفاوت باشد. رفع تعارضات احتمالی میان احکام وضع شده از سوی فقها، عمل بر مبنای احکام شریعت و ترجیح منافع عمومی در چارچوب احکام شریعت از جمله مشخصه‌های مصلحت در اداره جامعه اسلامی هستند.

۲-۲. ارتباط مصلحت و سیاست

ارتباط مصلحت و سیاست در نظام اسلامی، ارتباطی عمیق و همه جانبه است. زیرا یکی از شرایط لازم برای حفظ نظام اسلامی، مقابله با تهدیدات و همچنین رفع کاستی‌های سیاسی و اجتماعی در نظام اسلامی، باز بودن دست حاکم برای شناسایی مصالح و اتخاذ تصمیم مناسب برای دفع مشکلات و چالش‌ها می‌باشد. محقق نایینی می‌نویسد: «حفظ بیضه اسلام از مهم‌ترین واجبات است. حفظ دین بالاترین مصلحت است، در تعریف مصلحت نیز اشاره‌ای به حفظ دین شده است. حفظ دین در فرهنگ سیاسی اسلام این است که حاکم اسلامی راهکارهای معقول و منطقی که در موقعیت‌های خاص اجتماعی قابل پیاده شدن باشد، ارائه کند و قوانین و مقررات لازم را وضع نماید تا در پناه آن، اهداف و احکام اسلامی پیاده بشود و به فرموده امام علی علیه السلام جامعه اسلامی در جهت اعتلای کلمه الله و نابودی کلمه‌ی الظالمین گام

بردارد. بنابراین به خوبی روشن می‌شود که در تراحم مصالح، مصلحت حفظ دین بر مصالح دیگر مقدم است» (نابینی، ۱۳۹۳: ۷۶). امام خمینی (ره) نیز در این باره می‌فرماید: «مسئله، مسئله اسلام است، مسئله مسلمین است، مصالح مسلمین و اسلام. ما نمی‌توانیم مسامحه کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ج ۹، ص ۲۹۲).

مصلحت در اندیشه سیاسی شیعه به حکومت نبوی و چارچوب تعیین شده توسط آن بر می‌گردد که با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات زمانه نسبت به وضع مقررات و تدابیری برای اداره جامعه اسلامی می‌پردازد. بدین ترتیب اتکای اندیشه سیاسی شیعه بر مبنای مصلحت به سیره نبوی است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۴۳). به همین ترتیب اختیارات رهبر جامعه برحسب منافع و مصالح جامعه اسلامی در حال تغییر است و با در نظر گرفتن شرایط عمومی جامعه، تصمیم متناسبی را اتخاذ می‌نماید. اصل اساسی در اینجا، حفظ منافع عموم جامعه بر مبنای احکام شریعت است. به عنوان مثال، اگر رفتن به حج موجب ضرر به جامعه اسلامی است، حاکم می‌تواند موقتاً جلو حج رفتن مردم را بگیرد و یا اگر نماز اول وقت موجب حمله دشمن به صف لشکریان اسلام می‌شود حاکم و فرمانده می‌تواند جلوی نماز را بگیرد. در این صورت مصلحت عمومی و مصلحت حقیقی یکی می‌شود. زیرا فردی که مدافع مصالح عمومی است، به شکل بهتری می‌تواند باعث تحقق اهداف اعلامی شود. بدین ترتیب مصلحت عمومی در جهت مصلحت حقیقی معنا و مفهوم پیدا می‌کند و نافی یکدیگر نیستند (افتخاری، ۱۳۸۴: ۵۶). برخی دیگر از متفکران بر این عقیده هستند که با توجه به ارتباط مصلحت و سیاست در فقه شیعه، به نظر مصلحت، عنوان و جایگاه مستقلی داشته و تحت هیچ یک از عناوین «اولیه» و «ثانویه» قرار نمی‌گیرد؛ بلکه در جایگاه احکام حکومتی به منصفی ظهور می‌رسد (گرگی، ۱۳۶۹، ج ۲، ۲۸۷). با این تعبیر مصلحت علاوه بر جعل، در اجرای مجازات‌ها به خصوص حدود نیز باید مدنظر قرار گیرد. علامه حلی در این رابطه می‌نویسد: «احکام دایر مدار مصالح هستند و مصالح نیز با تغییر زمان متغیر و با اختلاف مکلفین مختلف می‌شوند، لذا ممکن است، حکم معینی در زمانی برای قومی مصلحت داشته باشد، که در این صورت مأمور به خواهد بود و در زمانی دیگر، برای قومی دیگر مفسده داشته باشد که در این صورت منهی عنه خواهد بود» (حلی، بی تا، ۲۲۴).

مصلحت از آنجایی که بر تقدم حقوق عمومی بر حقوق فردی استوار است، سیاست را بر پایه در نظر گرفتن حقوق عمومی افراد بنا می‌نهد. بنابراین منافع عمومی به عنوان یکی از اهداف اساسی سیاست اسلامی از طریق در نظر گرفتن مصلحت قابل دستیابی است. در این باره امام

خمینی، با اصل دانستن اسلام و ابتناء حقوق جامعه بر وجود اسلام چنین می‌فرمایند: «امام شما [علی (ع)] مصالح اسلام را روی هم رفته ملاحظه می‌کرد، مصالح شخصی را ملاحظه نمی‌کرد. آن روزی که مصالح عمومی اقتضا می‌کرد تبعیت می‌کرد. آن روزی که می‌خواست - مصالح اسلام به این بود که خوارج را درو کند با شمشیر می‌کرد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ج ۱۹، ۶۷-۶۵). بنابراین اتخاذ تصمیمات سیاسی و اجتماعی بر مبنای مصلحت، بر محور حقوق و منافع عمومی، حراست از کیان نظام اسلامی در برابر فتنه‌ها و آشوب، پیشبرد احکام اسلامی و دستیابی به سعادت دنیوی و اخروی صورت می‌گیرد.

۳. مصلحت در اندیشه سیاسی رهبران جمهوری اسلامی ایران

۳-۱. مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره)

اغلب جوامع و نظام‌های سیاسی با چالش سازش میان منافع فردی و عمومی مواجه هستند. حقوق فردی ناظر بر حقوق شخصی و جداگانه افراد است و حقوق جمعی به صورت گروهی نظیر اقلیت‌ها و گروه‌های سیاسی و اجتماعی نظر دارد (صلح چی و درگاهی، ۱۳۹۲: ۱۴۰). بنابراین اتخاذ تصمیمات حساس در مقاطعی که نیازمند راه‌حل فوری است، یکی از دشواری‌های اداره جامعه و حرکت بر مبنای منافع عموم است. نظریه الکسی به همین مسأله اشاره می‌کند و بر این باور است که چالش اصلی در جوامع این است که ما با تضاد حقوقی (تضاد منافع فردی و جمعی) مواجه هستیم (Pace, 2012: 5). بنابراین برای رفع این مسأله می‌بایست چاره‌ای اندیشیده شود. به نظر می‌رسد ایده مصلحت در اندیشه امام خمینی (ره) در شرایطی که میان حقوق فردی و جمعی تضادی دیده می‌شود، راه حل فوری و مناسبی ارائه نماید. علاوه بر این، رفتار سیاسی حاکم جامعه می‌بایست با منافع عموم مردم هماهنگ باشد. به بیان ایشان: «حکومت‌ها باید بر طبق امیال ملت عمل کنند، طبق مصالح ملت عمل کنند» (صحیفه امام، ج ۱۵، ۳۷۲-۳۷۳).

جامعه‌ای که خواهان حرکت بر مبنای منافع عمومی باشد، نیازمند درک این منافع از سوی حاکمان آن جامعه است. به همین دلیل امام خمینی بر این باور است که اندیشه حاکم جامعه اسلامی نیز همچون عمل او تابع مصالح اسلام و مسلمین است (موسوی خمینی، ۱۳۶۵: ۲۱). به این ترتیب، هرگاه تصمیمی بر مبنای اصل مصلحت صورت می‌گیرد، حفظ حقوق و منافع عمومی و رعایت مصالح اسلام دارای اهمیت است. برای دستیابی به این هدف ارزشمند، هم رهبران جامعه و هم ارکان جامعه اسلامی می‌بایست از لوٹ مفسده‌بری باشند و تابع مصالح عمومی و احکام اسلام باشند. در این صورت، عمل بر مبنای مفاسد نوعی بحران و در حکم

عدم تعادل است. بدین ترتیب، مصلحت قبل از هر چیز در راستای تعادل در جامعه و جلوگیری از انحراف چشمگیر در مسیر صحیح و واقعی جامعه است که در نزد بنیانگذار انقلاب اسلامی به عنوان یکی از ارکان اداره جامعه اسلامی و ابزاری برای تمشیت امور در نظر گرفته می‌شود. برای رعایت اصل تعادل در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و رسیدن به تعادل، رعایت قانون اهم بر مهم حائز اهمیت است. در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، رعایت اهم و مهم در اصول فقه، در باب تراحم مطرح شده است. امام خمینی، در صدور احکام حکومتی به این قاعده اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. گاه با آن که عمل به مصلحت اهم، برای او همانند نوشیدن جام زهر آلود بود، با این حال، چشم‌پوشی از آن را روانی دانست. تأکید امام بر پیش داشتن حفظ نظام و مصلحت نظام بر همه مصلحت‌ها در همین راستا قرار دارد (خمینی، ۱۳۶۵، ج ۲۱، ص ۱۱۲). رویه اتخاذی از سوی امام خمینی (ره) تنها با یک اصل قابل توجیه است و آن هم ترجیح منافع عمومی بر منافع فردی و همچنین در نظر گرفتن مصالح جامعه اسلامی است. آنچه در نظریه تعادل از سوی الکسی مطرح شده بود، حاکم کردن عقلانیت و برقراری قانون تناسب (تعادل) و تلاش برای روشن ساختن توازن میان منافع فردی و جمعی است (Pace, 2012: 6). بر مبنای همین رویکرد نظری می‌توان گفت که امام خمینی (ره) از قواعد فقهی برای توازن در جامعه و حفظ منافع عمومی بهره برده است که یکی از آنان «اهم و مهم» است. بنابراین قاعده فقهی اهم و مهم چنین توصیه می‌کند که حفظ مصالح فردی نمی‌تواند ضامن حفظ اجتماع و به نفع همگان باشد، زیرا تقدم مصالح فردی بر مصالح و منافع جمعی از نظر رویکرد تعادل، نوعی انحراف از واقعیات جامعه است. توضیح اینکه، اگر در مبنای مشروعیت و شرعی حکومت اسلامی، اصالت را سرانجام به جایگاه فرد بدهیم، در اینجا نیز باید در نهایت عقل همو را معیار قرار دهیم؛ هر چند ممکن است آن فرد در جایگاه رهبر یا ولی جامعه، صلاحیت‌ها و اختیارات خود را متناسب با نیازها، توانایی‌ها و تخصص‌ها به افراد و دستگاه‌های گوناگون واگذارد؛ اما اگر اصالت را سرانجام به جامعه دادیم، باید برای تشخیص در کاربرد قانون اهم و مهم، یک عقل جمعی تعریف کنیم (بوطی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴-۱۶۲).

بر مبنای اهمیت قائل شدن به تعادل در قاعده مصلحت از نظر امام خمینی (ره)، اصول شریعت نیز در راستای مصالح عمومی است و هرگز نمی‌تواند در ضدیت با آنان باشد. بنابراین مرّ نظریه مصلحت، برقراری تعادل در جامعه از طریق عمل بر مبنای واقعیات جامعه اسلامی است. واقع‌گرایی نیز از جمله مواردی است که در نظریه تعادل مطرح است؛ جایی که به تعبیر الکسی: میزان رضایتمندی افراد از اصول و قواعد توسط قانونی تعیین می‌شود که مورد قبول

است و از نظر واقعی نیز امکان‌پذیر است (Alexy, 2010: 21). بنابراین نظریه تعادل و ایده مصلحت از جهت توجه به واقعیات جامعه و تصمیم‌سازی بر مبنای واقعیات به هم پیونده خورده است. بنابراین، رعایت مصلحت در جامعه با پیش داشتن حکم حکومتی بر حکم اولیه، در پاره‌ای از موارد نه تشریح است و نه فوق فقه و شریعت، بلکه عمل کردن و نه قربانی کردن شرع به پای مصلحت، بلکه رعایت منطقی سنجش مصلحت‌ها است که در خود شریعت پیش-بینی شده است (مزینانی، ۱۳۸۷، ص ۹). همچنان که اگر بهره‌گیری از اصل مصلحت در رفتار ولی فقیه، در خدمت منافع فردی یا گروهی خاصی مصادره شود، نظام سیاسی با محتوای خود بیگانه است و حفظ آن بی‌وجه است (سرپرست سادات، ۱۴۰۰: ۷).

در نظر گرفتن هنجارها و اصول و همچنین رجوع به زیرمجموعه‌ها برای متعادل‌سازی اصل دیگری است که در نظریه تعادل مطرح شده است و با توجه به الزامات حقوقی و قانونی، قابلیت تحقق دارند. در این صورت، اصول و قواعد مزبور می‌توانند تحت عنوان «الزامات متعادل-سازی» نیز مطرح شوند (Alexy, 2010: 47-48). و این امکان را می‌دهد که تشخیص مصالح عامه نیازمند نگرش تخصصی در جامعه است. بر همین اساس در ایده مصلحت نیز، رأی ولی فقیه با عنایت به نظرات کارشناسان و اهل فن تدوین و به عنوان منافع عمومی مطرح می‌شود. زیرا عدم چنین مشورتی، القای دیکتاتوری به جامعه است که تأسیس نهادی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام، خط بطلانی بر این تصور اشتباه است. بدین ترتیب، موضوع دیگری که درباره مصلحت در اندیشه سیاسی امام خمینی می‌توان بیان کرد توجه به رعایت خبرویت و کارشناسی در تشخیص مصالح اجتماعی است. به عبارتی دیگر، ضابطه بعدی و اساسی در تشخیص مصالح، رعایت خبرویت و کارشناسی است. در حقیقت، پیکره اصلی تشخیص مصلحت از همین ضابطه ناشی می‌شود. این تشخیص اگر به خیر و صلاح جامعه مربوط باشد، به‌طور طبیعی باید در قالب تشخیص نخبگان و بهترین متخصصان هر زمینه‌ای از زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... باشد. طبیعی است که هر دستگاه مدیریتی در هر جامعه‌ای برای تشخیص مصالح خود دانش و خبرویت جامعه خود را به کار می‌بندد. باید با نهایت برخورداری و استفاده از دانش‌های تخصصی بشر، تا آن‌جا که پیشرفت دانش اجازه می‌دهد، به درک مصالح نائل آید و در جهت تحقق و عمل قرار می‌گیرد (صرامی، ۱۳۸۳، ص ۹۳-۹۸). ضمن اینکه، در سیره بنیانگذار انقلاب و در آثار ایشان در بحث مرجعیت تشخیص مصالح به نمونه‌ای از کتاب البیع می‌توان اشاره کرد که در آن از ضرورت سپردن کارها به کارشناسان و متخصصان فن سخن گفته شده است. در جای دیگر، آن بزرگوار، به

مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام سفارش می‌کند که از کارشناسان و متخصصان متعهد و زبردست بهره ببرند (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱۹، ص ۶) و از طرفی اصله‌الاحتیاط که اصل شناخته شده در اصول عملیه هست در اصل عقلایی مصلحت اندیشی ورود پیدا کرده است.

با عنایت به هدف اصلی مصلحت که به دنبال برقراری تعادل در جامعه اسلامی است، مصادیق متعدد آن در اندیشه امام خمینی (ره) قابل پیگیری است. رویکرد امام خمینی در دفاع از خواست و منافع عمومی توسط اصل مصلحت تمکیل می‌شود. ایشان همواره مصالح مردم و نظام را بر مبنای خواست عمومی تأیید و از آن دفاع می‌کند. چنان چه در پاسخ به نامه مجلس شورای اسلامی چنین پاسخ داده‌اند: «آن چه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت و کلای مجلس شورای اسلامی... مجازند در تصویب...» (نامه امام در پاسخ به درخواست مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۰/۷/۲۰). نمونه بارز استفاده از مصلحت در راستای منافع عمومی و تعادل در نظام اسلامی را می‌توان در حکم صادره از سوی امام خمینی درباره‌ی سلمان رشدی یافت که به‌عنوان مصلحت جامعه و حرکت در راستای واقعیت‌های جامعه قابل تفسیر است.

ایشان با عنایت به خواست و پذیرش عموم مردم جامعه اسلامی، چنین بیان می‌دارند: «به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رساند مؤلف کتاب آیات شیطانی که آن کتاب علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده است و هم‌چنین ناشرین مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر لحظه آنان را یافتند سریعاً اعدام نمایند تا کسی جرأت نکند، به مقدّسات مسلمین توهین نماید...» (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۸۶). علاوه بر این، طرح مصلحت در اندیشه سیاسی رهبران جمهوری اسلامی ایران به یک دلیل دیگر و آن هم به دلیل نارسایی‌هایی است که ممکن است در خلأهای قانونی دیده شود. بنابراین بر مبنای توجیه مصلحت در راستای منافع عموم، برقراری تعادل و همچنین عمل بر مبنای واقعیت‌های جامعه، می‌توان گفت جامعه آرمانی در اندیشه امام خمینی (ره) دفاع از منافع عمومی جامعه اسلامی است. اصلی‌ترین موضوع در حمایت از مصلحت آن است که چون این اصل فقهی برآمده از شریعت است و در راستای اهداف غایی شریعت و جامعه اسلامی است، هیچ‌گاه در تضاد با شریعت قرار نمی‌گیرد (ایزدهی، ۱۳۹۲: ۳۹). بر این اساس،

نقش مصلحت، هدایت جامعه اسلامی در مسیر تعادل، اجرای احکام شریعت و در نظر گرفتن خواست عموم مردم است که به دلیل پذیرش نظام اسلامی از سوی اکثریت، قابل توجیه است. همچنین امام خمینی (ره) در پاسخ به پرسشی در خصوص مجازات سنگسار بیان می‌دارند: (... اجرای سنگسار فعلاً صلاح نیست ما دشمنان زیادی داریم. علیه ما تبلیغات می‌کنند و با عمل خود نباید موجبات تبلیغات دشمن را فراهم کنیم ... اصلاً در دادگاه اقدامی انجام نگیرد تا جرائمی که حدود الهی در آنها معین شده است، ثابت گردد (نامه مفید، ۱۳۷۹: ۱۴۰). یا اینکه تشخیص ایشان برای تأسیس نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۶، همچنین موافقت ایشان با درخواست نیروهای سیاسی برای تشکیل دو جبهه سیاسی متفاوت (روحانیون مبارز و روحانیت مبارز) و فعالیت مسالمت‌آمیز در نظام اسلامی، دستور ایشان برای عزل آیت-الله منتظری و ... از جمله مصادیقی است که نشان می‌دهد، اعمال و رفتار ایشان در راستای منافع عمومی جامعه است و هرگز در پی منافع فردی و گروهی خاصی نبوده است. در همه مصادیق بیان شده، مصالح نظام، در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه و همچنین اجرای احکام شریعت در اولویت است. ایشان درباره تشکیل نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام به این موضوع بدین گونه اشاره می‌کنند: «...حضرات آقایان توجه داشته باشند که حفظ مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاه غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ج ۱۹: ۱۷۶). یا اینکه در حکم انتصاب مهندس بازرگان بر مبنای حفظ مصالح و نیازهای واقعی جامعه در آن مقطع چنین بیان می‌کنند: «من باید یک تنه دیگری بدهم و آن اینکه ایشان (مهندس بازرگان) را حاکم کردم، یک نفر آدمی هستم که به واسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم ایشان را قرار دادم و ایشان را که من قرار دادم واجب‌الاتباع است» (همان: ج ۶، ۵۴).

۲-۳. مصلحت در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

مصلحت در اندیشه و عمل آیت‌الله خامنه‌ای نیز تداوم رویکرد امام خمینی (ره) با محوریت منافع عمومی جامعه اسلامی است. منافی که در تضاد با شریعت نیست و مبنای آن نیز انتخاب مردم و عمل بر مبنای احکام اسلامی است. این رویه، یکی از اصول نظریه تعادل بوده است که معتقد بود، آنچه در واقعیت امکان‌پذیر است، توسط اصول مناسب و لازم معین می‌شود. همچنین آنچه از نظر قانونی قابلیت تحقق دارد، براساس اصل تناسب قابلیت تحقق یافتن پیدا می‌کند (Alexy, 2010: 48). در این صورت برای پی بردن به انحراف و دوری از تعادل در نظریه مصلحت، می‌بایست دو گانه «منافع فردی» و «منافع عمومی» را مورد توجه قرار داد که

در صورت تقدم اولی بر دومی، مشکلات زیادی بر جامعه اسلامی تحمیل می‌شود و جامعه از تعادل خارج می‌شود. بر همین مبنا، مصلحت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای معطوف به امور فردی و شخصی نیست، بلکه آنچه ایشان نیز به صراحت اعلام کردند، معطوف به حفظ مصالح نظام است. همان طور که ایشان درباره نسبت مصلحت و حقیقت نیز چنین بیان می‌کنند: «بعضی خیال می‌کنند که «مصلحت» در مقابل «حقیقت» است؛ در صورتی که مصلحت هم یک حقیقت است؛ کما اینکه حقیقت هم مصلحت است. اصلاً حقیقت و مصلحت از هم جدا نیستند. مصالح پنداری و شخصی است که بد است. وقتی مصلحت شخصی نیست، وقتی مصلحت مردم و مصلحت کشور است، این میشود یک امر مقدس، یک امر خوب، یک چیز عزیز؛ چرا ما باید از آن فرار کنیم؟ لذا من این را واقعاً مصلحت نمی‌دانم» (بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴). بنابراین مصالح شخصی امری مذموم است و مصالح جمعی و حرکت بر مبنای خواست عموم جامعه، قرار گرفتن در مسیر تعادل است. همان طور که الکسی معتقد بود حل تضاد منافع فردی و جمعی، نیازمند ارائه راه‌حلی برای برقراری تعادل میان این دو نوع حقوق و منافع است. در این صورت، هرگز پذیرفته نیست که منافع فردی بر منافع جمعی غلبه پیدا کند (Pace, 2012: 5). همچنان که در بیان حقیقت بودن مصلحت، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نکات قابل تأملی را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: «...اصلاً باید ملاحظه مصلحت بشود. هیچ وقت نباید گفت که آقا حقیقت با مصلحت همیشه منافات دارد؛ نه، خود حقیقت یکی از مصلحت‌هاست، خود مصلحت هم یکی از حقایق است. اگر مصلحت اندیشی درست باشد، باید رعایت مصلحت را کرد؛ چرا نباید رعایت مصلحت را کرد؟ باید مصالح را دید» (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

کاربست نظریه تعادل در تشریح مصلحت نشان دهنده آن است که رعایت قانون، پرهیز از خودمحوری فردی و همچنین مرکزیت بودن منافع عمومی یک اصل اساسی است. به عبارتی ساده، رعایت اصل تعادل (ترجیح منافع عمومی بر منافع فردی) و مرکزیت داشتن منافع عمومی با خودخواهی قابلیت تحقق ندارد، بلکه آنچه مهم است، در نظر گرفتن معیارهایی است که از نظر واقعی امکان‌پذیر باشد و همچنین مرزهای قانونی را نیز رعایت نماید (Alexy, 2010: 48). این رویه نیز به عنوان یکی از اصول بکارگیری مصلحت توسط ولی فقیه، از سوی آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است. ایشان بیان می‌کنند: «و اما مصلحت. مراد، مصلحت شخص من و شما نیست، که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود. نه، گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است،

ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما - بخصوص شما - شروع می‌شود» (بیانات رهبری در دیدار با مسؤولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

اصل مصلحت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، نیازمند برقراری ارتباط میان مجموعه‌های مختلف جامعه اسلامی در حیطه داخلی و خارجی است. همان‌طور که طرفداران نظریه تعادل نیز بر این باور هستند که برای دستیابی به نقطه تعادل و متعادل‌سازی حتی اگر ساختارهای مشابهی وجود داشته باشد، نیازمند بهره‌گیری از یک مجموعه هستیم (Pace, 2012: 13). این مجموعه در نظام اسلامی با یک همکاری جمعی و در پرتو مصالح عمومی جامعه اسلامی قابل تحقق است. مصالح جامعه اسلامی نیز ممکن است عواید اقتصادی و یا ارزشی برای افراد آن جامعه داشته باشد. از این جهت، همکاری مجموعه تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز می‌بایست به شکل مؤثر نمایش داده شود. به بیان رهبر انقلاب اسلامی: «در سیاست‌های کلی و در امور عمومی جامعه، یک معیار دیگری هم هست و آن خواست مردم، منافع مردم، جهت‌گیری مصلحت مردم است. هر کاری، هر حرکتی در جهت مصلحت مردم بود، در جهت خواست مردم مسلمان و آگاه بود، این حق است. در سیاست‌های جهانی این یک معیار است. فرض بفرمایید امروز مسئله‌ی لبنان یک مسئله‌ی اساسی و یک مسئله‌ی اسلامی است. علت این هم که می‌بینید منادیان اسلام و سخنگویان به نام اسلام درباره‌ی مسائلی مثل مسئله‌ی لبنان یا افغانستان و امثال آن حرف می‌زنند، اقدام می‌کنند و دل می‌سوزانند، همین است که مسئله در چهارچوب مرزهای یک ملت، محدود نمی‌شود. مسئله‌ی لبنان مال همان چند هزار کیلومتر زمین نیست؛ مال همه‌ی دنیای اسلام است» (بیانات رهبری در دیدار با ائمه‌مختلف مردم، ۱۳۶۸/۷/۱۲).

در نظریه تعادل از نظر الکسی، اصول و قواعد از دو طریق تعیین می‌شوند: یکی از طریق تعادل قوانین با بهره‌گیری از زیرمجموعه‌ها و دیگری نیز اتخاذ رویکرد اصولی برای برقراری نظم (Pace, 2012: 12). که هر دو رویه برای تشخیص منافع عمومی و سپس فعالیتی عملی برای کاربست آنان است. بر همین اساس، مصلحت در رفتار سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، نه امری برای خودسری و فراقانونی رفتار کردن حاکم، بلکه تلاش برای تأمین خواسته عموم مردم است. همچنان که در مسأله لایحه اصلاح مطبوعات در سال ۱۳۷۹، و در واکنش به تصمیم نمایندگان مجلس، چنین مرقوم داشتند: «مطبوعات کشور سازنده افکار عمومی و جهت‌دهنده به همت و اراده‌ی مردمند. اگر دشمنان اسلام و انقلاب و نظام اسلامی، مطبوعات کشور را دست بگیرند، یا در آن نفوذ کنند، خطر بزرگی امنیت و وحدت و ایمان مردم را تهدید خواهد

کرد و اینجانب سکوت خود و دیگر دست اندرکاران را در این امر حیاتی جایز نمی‌دانم. قانون کنونی تا حدودی توانسته است مانع از بروز این افت بزرگ شود و تغییر آن به آنچه در کمیسیون مجلس پیش‌بینی شده، مشروع و به مصلحت نظام و کشور نیست» (نامه رهبر انقلاب به مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۵/۱۵). بنابراین آنچه در قالب مصلحت در این نامه قابل برداشت است، ناسازگار بودن قانون اصلاح مطبوعات با منافع و مصالح مردم و کشور است. رویه‌ای که از نظر رهبر انقلاب، خارج ساختن مسیر جامعه از تعادل و حرکت به سمت خواسته‌های فردی و گروهی است.

رسیدن به نقطه تعادل به عنوان هدف نظام اسلامی، با در نظر گرفتن مصالح عمومی و اجرای احکام شریعت میسر است. آنچه مهم است جلوگیری از افراط و تفریط و حرکت در مسیر تعادل (خواست و منافع عموم مردم) در مواقع بحرانی و حساس، در اختیار حاکم اسلامی و با رعایت مصالح جامعه و حفظ قانون شریعت است. زیرا در صورت نادیده گرفتن قانون: «...دیگر ضابطه‌ای باقی نخواهد ماند؛ یک روز یک کسی یک جور مصلحت می‌داند، یک روز دیگر کس دیگری جور دیگری ممکن است مصلحت بدانند، یا در یک روز دو نفر دو جور مصلحت بدانند؛ لذا دیگر قانونی باقی نمی‌ماند، ضابطه‌ای باقی نمی‌ماند. ضابطه مقدم است بر هر مصلحت‌اندیشی، بر هر نگاه و دید و بینش» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای شورای نگهبان، ۱۳۸۶/۴/۲۰). با توجه به دیدگاه رهبر انقلاب درباره مصلحت، راه رسیدن به تعادل، حرکت در مسیر قانون و در صورت انحراف از آن، عمل ولی فقیه بر مبنای خواست و مصالح عموم است.

مصادیق تصمیم‌گیری بر مبنای مصلحت در رفتار رهبر انقلاب اسلامی نیز متعدد است. از جمله، در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۸۸ با لغو انتصاب آقای مشایی به عنوان معاون اول رییس جمهور، این انتصاب را به نفع مصالح عموم ندانستند. یا اینکه با انتشار ویروس کرونا در جامعه و ضرورت پرهیز از اجتماعات، ایشان نیز همسو با جامعه، اجتماع در حرم‌های مطهر، برگزاری اعیاد و جشن‌ها و همچنین مراسمات مذهبی را تا رفع این بیماری به مصلحت ندانستند. به تعبیر ایشان: «بر اساس این دستورالعمل‌ها حتی اجتماعات دینی و حرم‌های مطهر تعطیل شد که در طول تاریخ ما به این شکل بی‌سابقه بود اما چاره‌ای نبود و مصلحت اینگونه اقتضاء می‌کرد» (سخنان رهبر خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۱/۳). این تصمیم نیز چیزی جز در نظر گرفتن منافع عموم نیست. موضوعی که شاکله نظریه تعادل را تشکیل می‌دهد و از آن با عنوان منافع عمومی یاد می‌شود.

نتیجه گیری

محور اصلی نظریه تعادل، منافع عمومی جامعه، ترجیح اولویت‌های عموم بر منافع و خواسته‌های فردی و گروهی و همچنین تصمیم‌گیری بر مبنای واقعیت‌های جامعه است. بر این اساس، نظریه تعادل می‌تواند کاربرد اصل مصلحت در جامعه اسلامی را تبیین و توجیه کند. زیرا در قاعده مصلحت و کاربرد آن در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آنچه حائز اهمیت است، حفظ منافع عمومی از طریق اجرای احکام شریعت، تصمیم‌گیری بر مبنای واقعیت‌های ضروری جامعه اسلامی و همچنین پرهیز از ترجیح منافع فردی بر منافع گروهی است. بر این اساس، هنگامی که منافع عمومی مردم مبنای تصمیم‌گیری ولی فقیه در جامعه اسلامی باشد، دستیابی به تعادل، از مسیر ترجیح منافع عمومی بر منافع فردی و گروهی قابل دستیابی است.

آنچه در رفتار سیاسی رهبران جمهوری اسلامی دیده می‌شود، بهره‌گیری از قاعده مصلحت در جهت منافع عمومی جامعه اسلامی است. حفظ نظام اسلامی، پرهیز از رفتارها و تصمیم‌گیری‌های فردی، عدم ترجیح منافع فردی و گروهی بر منافع عموم جامعه و همچنین رعایت احکام شریعت از سوی امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیانگر هدایت و مدیریت جامعه بر مبنای منافع عمومی است. همچنین مصلحت با مرکزیت منافع عمومی جامعه این فرصت را به حاکم اسلامی می‌دهد که بتواند بر مبنای شرایط و مقتضیات زمانه تصمیمات مناسب و مقتضی را در جهت حل مسائل فوری و لاینحل به کار گیرد. کاربرد نظریه تعادل نیز نشان می‌دهد که مرکزیت ایده مصلحت، منافع عمومی است و تعادل نیز به معنای تقدم منافع و خواسته‌های عموم مردم است که مانعی برای افتادن جامعه در دام افراط و تفریط است. تشخیص منافع عمومی هر جامعه نیز دارای شرایط خاصی است که در نظام جمهوری اسلامی ایران توسط احکام شرع و تفسیر آن توسط علما و فقها انجام می‌شود. انتصاب افراد پایبند به منافع عمومی توسط رهبران جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از انتصاب برخی افراد در پست‌های کلیدی و حساس، موافقت با حضور برخی چهره‌ها در عرصه انتخابات، جلوگیری از تجمعات مذهبی در هنگام شیوع ویروس کرونا، توصیه به دقت و پرهیز از رفتار عجولانه جهت برقراری رابطه با برخی از کشورها، همگی نشانگر مرکزیت بودن مصالح عمومی و حرکت در مسیر تعادل در اداره جامعه اسلامی است.

منابع و مأخذ:

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، **لسان العرب**، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، **مصلحت و سیاست: رویکردی اسلامی**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ایزدی، سجاد (۱۳۹۲)، **ضوابط مصلحت در فقه شیعه، فصلنامه سیاست متعالیه**، سال اول، شماره اول، صص ۶۲-۳۱.
- بوطی، محمد سعید رمضان (۱۳۸۴)، **مصلحت و شریعت**، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، گام نو.
- حلی، حسن بن یوسف بن المطهر الأسدی (بی تا)، **تحریر الاحکام الشرعیة علی المذهب الامامیه**، مشهد، مؤسسه آل البیت.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، **لغت نامه**، جلد ۴ و ۱۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دهقان چاچکامی، حمید (۱۳۹۰)، **جایگاه مصلحت در قانون گذاری کفبری ایران**، قم، بوستان کتاب.
- سرپرست سادت، ابراهیم (۱۴۰۰)، **بایسته های «حفظ نظام» در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال پانزدهم، شماره ۵۴، صص ۲۰-۳.
- شرتونی، سعید (۱۴۰۳)، **اقرب الموارد**، جلد اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی شوشتری.
- صرامی، سیف الله (۱۳۸۰)، **احکام حکومتی و مصلحت، تهران**، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- صرامی، سیف الله (۱۳۸۳)، **درآمدی بر جایگاه مصلحت در فقه**، مجله قیسات، شماره ۳۲.
- صلح چی، محمد علی، درگاهی، رامین (۱۳۹۲)، **بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی، پژوهش حقوق عمومی**، سال پانزدهم، شماره ۴۱، صص ۱۶۷-۱۴۳.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۶)، **الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد**، بیروت: دارالاضواء.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، **تهذیب الاحکام**، ج ۴ و ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، **فقه سیاسی**، ج ۹، تهران، انتشارات سپهر.
- غزالی، محمد بن محمد (بی تا)، **المستصفی فی علم الاصول**، ج ۱، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۴)، **مبایذ فقه و اصول**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گرچی، ابوالقاسم (۱۳۶۹)، **مقالات حقوقی**، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶)، **قواعد فقه**، ج ۴ و ۲، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی.
- مزیانی، محمدصادق (۱۳۸۷)، **مصلحت نظام از دیدگاه امام خمینی**، مجلد دوم، باشگاه اندیشه جوان، مرداد ۸۷.
- موسوی الخمینی، سید روح الله (۱۴۲۱)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹)، **صحیفه نور**، ج ۱۹ و ۲۰، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- نامه مفید، شماره ۲۳، **دانشگاه مفید**، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۴۰.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱)، **البیع**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- منابع لاتین**
- Aleinikoff, T. Alexander (1987), "Constitutional Law in the Age of Balancing", **Yale Law Journal**, Vol. 96.
- Alexy, Robert (2010), "The Construction of Constitutional Rights", **Law & Ethics of Human Rights**: Vol. 4 : Iss. 1, Article 2, 2010.
- Alexy, R. (2002), **A Theory of Constitutional Rights**, (ed.) Julia Rivers, New York, Oxford University Press.
- Gardbaum, S. (2007), "Limiting Constitutional Rights", **UCLA Law Review**, Vol. 54.
- Fallon, Richard H. "Further Reflections on Rights and Interests: A Reply" (1993) Vol. 27, **Georgia Law Review**
- Gerven, W. Van (1999) . "The Effect of Proportionality on the Actions of Member State of the European Community: National Viewpoints from Continental Europe", **Principle of Proportionality in the Laws of Europe**, (ed.) Evelyn Ellis, Oxford: Hart Publishing.
- Pace, Cristina (2012), Robert Alexy's A Theory of Constitutional Rights critical review: key jurisprudential and political questions. **DOCUMENTO DE TRABALHO WORKING PAPER**.

آدرس سایت ها و منابع اینترنتی:

- سخنران رهبر خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۱/۳؛ نمایه شده در سایت به آدرس زیر: <https://www.leader.ir/fa/content/24396/www.leader.ir>.
- بیانات رهبری در دیدار با اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۱/۱/۱۷؛ نمایه شده در سایت به آدرس زیر: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=19874>
- بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۴؛ نمایه شده در سایت به آدرس زیر: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7571> .

- بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶؛ نمایه شده در سایت به
 https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20686 آدرس زیر:
 بیانات رهبری در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸؛
 نمایه شده در سایت به آدرس زیر:
 https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2471
 بیانات رهبری در دیدار با اعضای شورای نگهبان، ۱۳۸۶/۴/۲۰؛ نمایه شده
 در سایت به آدرس زیر:
 https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3392.
- بیانات رهبری در جلسه پرسش و پاسخ به جوانان، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳؛ نمایه
 شده در سایت به آدرس زیر:
 https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927
 بیانات رهبری در دیدار با ائتلاف مختلف مردم، ۱۳۶۸/۷/۱۲؛ نمایه شده در
 سایت به آدرس زیر:
 https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2197